

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ: تدارک کمونیستی

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۴

سنوار عروج انسانیت بود

به همان اندازه که تصاویر فروپاشی برجهای دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک در سپتمبر سال ۲۰۰۱ اعلام آغاز دوران بغایت خونبار و سیاه جهان تحت سیادت مطلقه امپریالیستی غرب بود، به همان اندازه تصاویر رزم حماسی آن مرد در آن بنای ویران پایان این دوران سیادت را بشارت داد. مرد ناتوان زخم خورده از جنگ و پوشیده از غباری که دست خود را از دست داد اما عزم خود را نه. تصاویر حماسه ای که آفرید برای همیشه در اذهان توده های محروم در سرتاسر جهان حک شده است. او برج فرازان جهان محرومان بود.

آنچه در ۲۶ مهر ماه- میزان- در ویرانه های غزه واقع شد اتفاقی ساده نبود، واقعه ای منحصر به یک جنگ نبود، حماسه ای محدود به ملت قهرمان فلسطین و مردم شریف و مقاوم غزه نبود. آنچه واقع شد فراتر از تمام اینها بود. این واقعه ای بود به معنای واقعی کلمه تاریخی-جهانی. امری برای تمام بشریت، جوانه نظم جهان آینده بود در دل مرداب متعفن که سرمایه داری بشر را در آن غرق کرده است. و چه مکار است تاریخ که رسالت اعلام بشارت زایش این جهان نو را بر عهده خونخوارترین، کثیف ترین، متعفن ترین و تهوع انگیزترین موجود این مرداب قرار داد. آنچه در آن ساختمان تل السلطان رفح ویران واقع شد برای لحظه ای لنز جهان را برگرداند تا تصویر واقعیت آنچنان که هست در برابر چشمان جهانیان آشکار شود و نه آنچنان که نمایانند. تمام جهان دید که اخلاق در کدام سوی جدال قرار دارد و ردالت در کدام سو. و این را خود آن هیولا در لحظه ای از شعف شهوت وار خونخواری که دندان خویش را در گلوی قربانی فرو کرده باشد به جهانیان نشان داد و این آن چیزی بود که پایان حماسی سنوار را به آغاز نمادین جهان آینده بدل نمود.

تاریخ معاصر اتفاقاً به تصاویری نیاز داشت که از رفح به جهان مخابره شد. نه لحظات مرگ قهرمانانه سالوادور آلنده در دوربین ثبت شده بود و نه جان باختن پزشک و سردار توده های محروم جهان، ارنستو چه گوارا و نه مرگ شاعرانه امیر پرویز پویان و غسان کنفانی و ویکتور خارا و میلیونها انسان دیگری که به پا خاستند و بهای دفاع از حرمت انسانی خویش و انسانیت انسان را با جان خویش پرداختند. در همین فلسطین هم نه تصویری از لحظات جان باختن هنیه در دست بود و نه از مرگ تلخ سید حسن نصرالله و یارانش. هیولای کشتار باعث شده بود تا جهانیان روز و شب تصاویر جان باختن کودکان و زنان و مردان بیگناه زیر آوار بمبها و رگبار گلوله ها و در میان شعله های آتش

شاهد باشد. این پلشت اما قهرمانانی را مسؤول مرگ آنان نشان می داد که مدعی بود در گوشه ای از جهان پنهان شده اند و غیرنظامیان را به سلاخی می فرستند. ماشین مرگبار هیولای فاشیستی صهیونیستی نه تنها توده های بی دفاع را سلاخی می کرد و جانشان را می ستاند، بلکه همچنین به کمک دستگاه اهریمنی رسانه های جهان تهوع انگیز «آزاد» آرمانشان و آرزوهایشان را نیز به لجن می کشید. لحظات مرگ با شکوه سنوار لحظات اعلام پایان این وضعیت بود. به همان اندازه که تصاویر فروپاشی برجهای دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک در سپتامبر سال ۲۰۰۱ اعلام آغاز دوران بغایت خونبار و سیاه جهان تحت سیادت مطلقه امپریالیستی غرب بود، به همان اندازه تصاویر رزم حماسی آن مرد در آن بنای ویران پایان این دوران سیادت را بشارت داد. مرد ناتوان زخم خورده از جنگ و پوشیده از غباری که دست خود را از دست داد اما عزم خود را نه. تصاویر حماسه ای که آفرید برای همیشه در اذهان توده های محروم در سرتاسر جهان حک شده است. او برج فرازان جهان محرومان بود. درود بر شرافت این انسان بزرگ که نماد شرافت انسانیت بود. سنوار تجسم واقعی این حکم بود که غزه گرهگاه خونبار سرمایه داری معاصر است و فلسطین امروز نه فقط برای نجات خود، بلکه برای نجات جهان مبارزه می کند. در برابر عظمت این مردم قهرمان و فرزندان، تنها می توان سر تعظیم فرود آورد. به سازمان مذهبی حماس باید تبریک گفت که چنین رهبرانی را از دل خود بیرون داده است.

به عنوان کمونیست، به عنوان مبارزانی پیگیر برای دستیابی به جهانی رها شده از چنگال خونین ستمگری سرمایه داری، کلاه خود را به احترام سنوار از سر بر می داریم و اعلام می کنیم که استوار و بی تزلزل در کنار مقاومت شکوهمند مردم فلسطین و لبنان خواهیم ایستاد و هر جا که با دشمنان آنان روبه رو شویم قاطعانه به مقابله خواهیم پرداخت.

درود بر مردم قهرمان غزه، درود بر مردم شریف جنوب لبنان، درود بر تمامی رزمندگان در صفوف مختلف مقاومت فلسطین.

سازمان تدارک کمونیستی

۲۷ مهر- میزان- ۱۴۰۳

۱۸ اکتوبر ۲۰۲۴